

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

احادیث در باب صلوات بر پیامبر ﷺ و اهل بیت ﺍﻟﺒﯿﺖ

در بحث صلوات تشهّد بودیم؛ گفتیم هر عبادت اگر به روح وصل نشود، عبادت مرده است و کارگر و مؤثر نیست. در بحث نماز هستیم؛ نمازی که به حقیقت ولایت وصل نشود، نماز مرده است؛ گرچه هزار رکعت نماز بخوانی، تنها خودت را خسته می کنی! چقدر حدیث داریم که عبادات بدون ولایت مقبول نیست. فرمودند: اگر کسی عمر نوح کند و در تمام عمر خود در کنار کعبه و در مقدس ترین نقطه‌ی آن مشغول عبادت شود؛ روزها را روزه بدارد؛ شبها را شبزنده‌داری کند؛ همه‌ی دارایی خود را انفاق کند و همه‌ساله حج به‌جا بیاورد؛ اما ولایت ولی‌الله را نداشته باشد، از او هرگز پذیرفته نمی‌شود؛^۱ یعنی کارگر و مؤثر نیست. عبادات و طاعات برای رشد تو است؛ مرده که نمی‌تواند تو را رشد دهد. همه‌ی این اعمال وقتی به روح وصل نیستند، مرده‌اند. مدام جنازه روی هم تل‌انبار کرده‌ای! اینها تو را به جایی نمی‌برند! به‌قول شاعر: «نماز بی ولای او عبادتی است بی وضو»

لذا نماز با نام پیامبر و اهل بیت ﺍﻟﺒﯿﺖ آغاز می‌شود و با صلوات بر پیغمبر و اهل بیت ﺍﻟﺒﯿﺖ ختم می‌شود. در اذان، بر پیامبر و اهل بیت ﺍﻟﺒﯿﺖ شهادت می‌دهید و در صلوات تشهّد، بر پیامبر و اهل بیت ﺍﻟﺒﯿﺖ درود می‌فرستید. این نماز زنده است؛ این نماز است که روح، جان و توان دارد و می‌تواند تعالی بخش انسان باشد.

^۱ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۲۲ و مجلسی، بحار، ج ۲۷، ص ۱۷۳ و صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۴۵.

ظاهراً حضرت خضر خدمت امام سجّاد عَلَيْهِ السَّلَامُ رسید و سؤالاتی پرسید. از جمله‌ی سؤال‌ها، در مورد نماز پرسید: «ما تَامَها» آنچه سبب می‌شود نماز به اوج، کمال و حدّ تمام و نهایه‌ی خود برسد و نماز ناقص و نیمه‌کاره نباشد، چیست؟ «قَالَ الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ»^۲ امام سجّاد عَلَيْهِ السَّلَامُ به او فرمودند: درود بر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و خاندان پیامبر عَلَيْهِمُ السَّلَامُ است که نماز را کامل می‌کند؛ نماز بدون آن ناقص است. بنابراین فقط صلوات بر پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نیست، صلوات بر اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ هم باید ملحق به صلوات بر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شود.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: «إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ فَلْيَسِيْ أَنْ يَذْكُرَ مُحَمَّدًا وَ آلَهُ فِي صَلَاتِهِ سَلِكٌ بِصَلَاتِهِ غَيْرَ سَبِيلِ الْجَنَّةِ وَ لَا تُقْبَلُ صَلَاةٌ إِلَّا أَنْ يَذْكُرَ فِيهَا مُحَمَّدٌ وَ آلَ مُحَمَّدٍ»^۳ هنگامی که یکی از شما نماز می‌گزارد و فراموش می‌کند در نماز خود پیامبر و خاندان ایشان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را یاد کند؛ با نماز خود غیر راه بهشت را طی می‌کند. این نمازگزار با این نماز خود سالک سبیل دوزخ است و با همین نماز به جهنّم می‌رود. بعد حضرت فرمودند: هیچ نمازی مقبول واقع نمی‌شود، مگر اینکه در آن نماز پیامبر و خاندان ایشان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ یاد شوند. معنای مقبول واقع شدن عبادت را هم بارها برایتان گفته‌ایم؛ مثل دارویی که مؤثر واقع می‌شود و حال مریض خوب می‌شود، مؤثر واقع شدن عبادات در رشد و تعالی انسان را، به "قبول" تعبیر می‌کنند و هنگامی که می‌گویند: نماز قبول شد؛ یعنی رشدی که این نماز قرار بود در تو ایجاد کند، ایجاد کرد.^۴

^۲. مجلسی، بحار، ج ۸۱، ص ۲۴۵ و محدّث‌نوری، مستدرک‌الوسائل، ج ۴، ص ۱۱۳ و ابن‌شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۱۳۱.

^۳. مجلسی، بحار، ج ۸۲، ص ۲۸۳ و محدّث‌نوری، مستدرک‌الوسائل، ج ۵، ص ۱۴ و عدّه‌ای از علما، الاصول السّنة عشر، ص ۷۲.

^۴. مهدی‌طیب، شراب‌طهور، ص ۲۶۶. آدرس لینک در سایت اهل‌ولاء: سخنان استاد، مباحث عرفانی، شرح کتاب شراب‌طهور، ترک

عبادت و عبودیت(۱).

همچنین رسول الله ﷺ فرمودند: «مَنْ صَلَّى وَ لَمْ يَذْكُرِ الصَّلَاةَ عَلَيَّ وَ عَلَى آيِ سُلَيْكٍ بِهِ غَيْرَ طَرِيقِ الْجَنَّةِ وَ كَذَلِكَ مَنْ ذُكِرَتْ عِنْدَهُ وَ لَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ»^۵ کسی که نماز می گزارد؛ اما در نماز خود بر من و بر آل من صلوات نمی فرستد و من و خاندانم را یاد نمی کند؛ با نمازش غیر راه بهشت را طی می کند و سالک راه دوزخ است. سپس حضرت فرمودند: و همین طور کسی که در نزد او، من یاد شوم و صلوات نفرستد، او هم غیر راه بهشت را طی می کند.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

امام صادق عليه السلام فرمودند: «مَنْ صَلَّى وَ لَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ التَّيِّبِ وَ آلِهِ فَلَا صَلَاةَ لَهُ»^۶ کسی که نماز بگزارد، ولی در نماز خود بر پیامبر و خاندان او عليه السلام صلوات نفرستد، اصلاً نمازی به جا نیاورده است و نمازی در نامه‌ی عمل او ثبت نمی شود.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «مَنْ صَلَّى صَلَاةً لَمْ يُصَلِّ فِيهَا عَلَيَّ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِي لَمْ تُقْبَلْ مِنْهُ»^۷ کسی - که نمازی بگزارد؛ اما در نمازش بر من و بر اهل بیت من صلوات نفرستد؛ آن نماز از او قبول نخواهد شد و مورد پذیرش درگاه الهی واقع نخواهد شد.

پیغمبر فرمودند: «لَا تَصَلُّوا عَلَيَّ صَلَاةً مَبْتُورَةً إِذَا صَلَّيْتُمْ عَلَيَّ بَلْ صَلُّوا عَلَيَّ أَهْلِ بَيْتِي وَ لَا تَقْطَعُوهُمْ مِنِّي»^۸ هنگامی که بر من صلوات می فرستید، صلوات ناقص، دم بریده نفرستید؛ یعنی صلوات نیمه تمام و ناتمام نفرستید؛ بلکه بر اهل بیت من عليه السلام هم صلوات بفرستید و آنها را از من

^۵. مجلسی، بحار، ج ۸۲، ص ۲۸۸ و محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۱۵ و دیلمی، اعلام الدین، ص ۴۰۱.

^۶. قطب الدین راوندی، فقه القرآن، ج ۱، ص ۲۵۳ و مفید، المقنعة، ص ۲۶۴ و شهید ثانی، استقصاء الاعتبار، ج ۵، ص ۳۲۷.

^۷. مجلسی، بحار، ج ۸۲، ص ۲۷۹ و محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۱۵ و ابن ابی جمهور، عوالی اللالی، ج ۲، ص ۴۰.

^۸. مجلسی، بحار، ج ۵، ص ۲۰۹ و ج ۹۰، ص ۱۴ و حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۲۰۷.

نبرید و قطع و جدا نکنید. هنگامی که بر من صلوات می فرستید، بر خاندان من هم بفرستید.

همچنین پیغمبر ﷺ فرمودند: «مَنْ ذَكَرْتُ عِنْدَهُ فَصَلَّى عَلَيَّ فَأَمَّ يُغْفَرُ لَهُ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ» کسی من در حضور او یاد شوم و بر من صلوات بفرستد، خدا او را نمی آمرزد و از خود دور و طرد می کند و از درگاه قربش تبعید می کند! حرف عجیبی است. پیغمبر ﷺ فرمودند: من رسول الله ﷺ در حضور کسی یاد شوم؛ او هم صلوات بفرستد؛ اما خدا محال است او را ببخشد؛ و او را طرد می کند. «قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَيْفَ يُصَلِّي عَلَيْكَ وَ لَا يُغْفَرُ لَهُ» عرض کردند: یا رسول الله! چگونه است که بر شما صلوات می فرستد، اما مورد مغفرت الهی واقع نمی شود و خدا او را نمی بخشد؟ حضرت فرمودند: «فَقَالَ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا صَلَّى عَلَيَّ وَ لَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ آلِي، لُقْتُ تِلْكَ الصَّلَاةُ فَضْرَبَ بِهَا وَجْهَهُ» وقتی بنده ای بر من صلوات می فرستد و بر خاندان من صلوات نمی فرستد، آن صلوات را لوله و مچاله می کنند و به صورت او می زنند؛ به خودش برمی گردانند. «وَ إِذَا صَلَّى عَلَيَّ وَ عَلَيَّ آلِي غُفِرَ لَهُ»^۹ و هنگامی که بر من و خاندان من، با هم صلوات می فرستد، مورد مغفرت و بخشش الهی واقع می شود.

پیغمبر اکرم ﷺ فرمودند: «مَنْ صَلَّى عَلَيَّ وَ لَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ آلِي رُدَّتْ عَلَيْهِ»^{۱۰} کسی بر من صلوات بفرستد، ولی بر خاندان من صلوات نفرستد، صلواتش را پس می دهند و می گویند: برو! صلوات برای خودت؛ آن را نخواستیم!

^۹ مجلسی، بحار، ج ۹۴، ص ۸۱ و صدوق، فضایل الاشرع الثلاثة، ص ۵۴ و ۱۱۵.

^{۱۰} محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۵۶.

یا فرمودند: «مَنْ صَلَّى عَلَيَّ وَ لَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ آلِي فَقَدْ جَفَانِي»^{۱۱} کسی بر من صلوات بفرستد، ولی بر خاندان من صلوات نفرستد، به من رسول الله ﷺ جفا کرده است.

همچنین رسول الله ﷺ فرمودند: «مَنْ صَلَّى عَلَيَّ وَ لَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ آلِي لَمْ يَجِدْ رِيحَ الْجَنَّةِ وَ إِنَّ رِيحَهَا لَتُوجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ خَمْسِ مِائَةِ عَامٍ»^{۱۲} کسی که بر من رسول الله ﷺ صلوات بفرستد؛ اما بر آل و خاندان من صلوات نفرستد، (مثل همین برادران ناتنی ما که آنها بر پیغمبر ﷺ صلوات می فرستند؛ ولی بر آل صلوات نمی فرستند. اهل سنت برادران هستند؛ منتهی^۱ برادر ناتنی اند. پدر هر دوی ما رسول الله ﷺ است؛ منتهی^۱ مادر آنها عایشه است و مادر ما خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ). فرمود چنین کسی بو، عطر و نسیم بهشتی را استشمام نخواهد کرد و این درحالی است که عطر و نسیم بهشتی از فاصله‌ی پانصد سال راه، قابل استشمام است؛ یعنی نه اینکه به بهشت راهش نمی دهند؛ بلکه به این فاصله‌ی بهشت هم نمی رسد. سال-های بهشتی هم غیر از سال سیصد و شصت و پنج روز بیست و چهار ساعته‌ی دنیای ماست. سال‌های آنجا را خدا می داند چقدر است! یک روزش هزار یا پنجاه هزار سال است. کسی-که بر پیغمبر ﷺ صلوات بفرستد و بر خاندان ایشان صلوات نفرستد، نمی گذارند تا این فاصله هم به بهشت نزدیک شود. فرمایش خود رسول الله ﷺ است.

در حدیث دیگر پیغمبر اکرم ﷺ فرمودند: «مَنْ صَلَّى عَلَيَّ وَ عَلَيَّ آلِي تَعْظِيمًا لِحَقِّي خُلِقَ مِنْ ذَلِكَ الْقَوْلِ: مَلَكٌ يَرَى لَهُ جَنَاحَ بِالْمَشْرِقِ وَ جَنَاحَ بِالْمَغْرِبِ وَ رِجْلَاهُ مَعْمُوسَتَانِ فِي الْأَرْضِ السُّفْلَى وَ عُنُقُهُ مُلْتَوٍ تَحْتَ

^{۱۱}. شهید ثانی، شرح مصباح الشریعة، ترجمه‌ی عبدالرزاق گیلانی، ص ۸.

^{۱۲}. مجلسی، بحار، ج ۸، ص ۱۸۶ و صدوق، امالی، ص ۲۰۰ و بحرانی، البرهان، ج ۴، ص ۴۹۱.

الْعَرْشِ فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: صَلَّى عَلَى عَبْدِي كَمَا صَلَّى عَلَى النَّبِيِّ فَهُوَ يُصَلِّي عَلَيْهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»^{۱۳} کسی که بر من و بر خاندان من به انگیزه‌ی بزرگداشت حقّ من صلوات بفرستد، خدا از صلوات او فرشته‌ای خلق می‌کند که یک بال آن در مشرق و بال دیگر آن در مغرب است؛ پاهای آن در عمق زمین سُفلی^۱ فرو رفته است و گردنش همتراز عرش علیا و عرش الهی است. ملکی به این عظمت خلق می‌کند! سپس خدای متعال به این ملک می‌گوید: همانگونه که این بنده‌ی من که بر پیامبر من، رسول خدا ﷺ، صلوات فرستاد، تو هم بر این بنده‌ی صلوات فرست صلوات بفرست و این ملک تا روز قیامت دائماً بر این بنده صلوات می‌فرستد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

امام صادق علیه السلام فرمودند: «مَنْ صَلَّى عَلَى النَّبِيِّ وَآلِ النَّبِيِّ ﷺ مَرَّةً وَاحِدَةً بِنِيَّةٍ وَإِخْلَاصٍ مِنْ قَلْبِهِ قَضَى اللَّهُ سُبْحَانَهُ لَهُ مِائَةَ حَاجَةٍ مِنْهَا ثَلَاثُونَ لِلدُّنْيَا وَسَبْعُونَ لِلْآخِرَةِ»^{۱۴} کسی بر پیامبر و خاندان پیامبر علیهم السلام یک مرتبه با نیت پاک و با اخلاص، از ته دل صلوات بفرستد، خدای متعال در قبال همین صلوات با اخلاصی که بر پیامبر و خاندان ایشان علیهم السلام فرستاد، صد حاجت او را، سی حاجت از حاجات دنیوی و هفتاد حاجت از حاجات اخروی، روا می‌کند.

تفاوت بین آرزو، درخواست و حاجت

اینجا یک پرانتز باز کنم، برای اینکه بدانیم بین آرزوها، درخواست‌ها و حاجت‌ها فرق است. گاهی من چیزی را هوس و آرزو کرده‌ام، اما معلوم نیست آن چیز به نفع من باشد؛ حتی ممکن است به ضرر من باشد؛ مثل بچه‌ای که مریض است و هوس می‌کند برای او

^{۱۳}. شعیری، جامع الاخبار، ص ۶۱.

^{۱۴}. مجلسی، بحار، ج ۹۱، ص ۷۰ و محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۳۱ و قطب الدین راوندی، الدعوات، ص ۸۹.

بستی، شکلات یا پفک بخزند. اینها آرزوی او است؛ اما برایش ضرر دارد. یک وقت کسی چیزی را درخواست می کند، این خواسته‌ی او است و شخص طالب آن است؛ اما چه بسا به مصلحت او نباشد. صریح قرآن است که فرمود: انسان چیزی را دعا می کند و می خواهد که برایش ضرر دارد؛ همان طور که چیزی را دعا می کند و درخواست می نماید که برای او نفع دارد^{۱۵}؛ یعنی بعضی از دعاها ما شر است و برای ما ضرر دارد. پس یکی آرزو بود؛ دوم دعا و درخواست بود و سوم حاجت است. حاجت یعنی چیزی که به راستی من به آن احتیاج دارم؛ یعنی چیزی که به راستی نیاز من است؛ ولو من توجه ندارم؛ آرزو هم ندارم؛ آن را درخواست هم نکرده‌ام؛ اما به آن محتاجم و نیاز واقعی وجود من است. در دعاها و روایات مختلفی داریم که مثلاً اگر کسی در این شب دعا کند، حاجتش را به او می دهند؛ مانند شب نیمه‌ی ماه ذی القعدة که اول جلسه روایت آن را خواندم؛ تعبیر به حاجت می شود. حاجت یعنی نیازهای واقعی وجود شخص؛ چه بسا او به آنها توجه هم ندارد؛ خبر هم ندارد؛ طالب چنین چیزی هم نیست؛ درخواست هم نکرده است و آرزومند آن هم نیست؛ اما نیاز واقعی او است. خدا که از نیازهای واقعی بنده اش خبر دارد، آنها را به او می دهد.

امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی با اخلاص تمام و از ته دل بر پیامبر و خاندان ایشان علیهم السلام صلوات بفرستد، خدای متعال صد حاجت او، یعنی صد چیزی که به راستی، عمیقاً و وجوداً به آن احتیاج دارد و محتاج اوست، را بر می آورد؛ سی حاجت از حاجت‌های دنیوی و هفتاد حاجت از حاجت‌های اخروی او.

^{۱۵}. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۱۶. «عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ»

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: «مَنْ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ حَسَنَةٍ»^{۱۶} کسی - که بر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و خاندان ایشان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ صلوات بفرستد، خدای متعال در قبال یک صلوات، در نامه‌ی عملش هزار حسنه برای او ثبت می‌کند.

پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «مَنْ صَلَّى عَلَيَّ وَ عَلَى آلِي صَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ» کسی بر من و خاندان من عَلَيْهِمُ السَّلَامُ صلوات بفرستد، ملائکه بر او صلوات می‌فرستند. «وَ مَنْ صَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ» و کسی که ملائکه بر او صلوات بفرستند، خدا بر او صلوات می‌فرستد. «وَ مَنْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ لَمْ يَبْقَ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ مَلَكٌ إِلَّا وَ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ» و کسی که خدا بر او صلوات بفرستد، هیچ فرشته‌ای در آسمان‌ها و زمین باقی نمی‌ماند، مگر اینکه همه بر او صلوات می‌فرستند. «وَ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ وَ عَلَى آلِي وَاحِدَةً أَمَرَ اللَّهُ حَافِظِيهِ أَنْ لَا يَكْتُبَا عَلَيْهِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ» و کسی بر من و خاندان من صلوات بفرستد، خدای متعال به خاطر این صلوات، به دو ملکی که مأمور ثبت تمام کارهای او هستند و هر خلاف که بکند، یادداشت می‌کنند و به بالا گزارش می‌دهند، به آن دو ملک که حافظین اعمال و «كِرَامًا كَاتِبِينَ»^{۱۷} هستند، امر می‌کند تا سه روز خلاف کاری‌های او را یادداشت و ثبت نکنند.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

البته امیدوارم این مطلب هم باعث تجرّی نشود؛ یعنی همیشه باید دقت کنیم که وقتی خوبی خدا و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را متوجه شدیم و اینکه آنها به ما سخت نمی‌گیرند، از لحاظ اخلاقی بیشتر خودمان را به مراعات ادب در حضور آنها ملتزم بدانیم. اگر بدانیم که آنها

^{۱۶} حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۱۹۵ و مجلسی، بحار، ج ۹۱، ص ۵۸ و صدوق، ثواب الاعمال، ص ۱۵۶.

^{۱۷} سوره‌ی انفطار، آیه‌ی ۱۱.

به قدری خوبند که اگر ما هم جسارتی کردیم به روی ما نمی‌آورند، دانستن این مطلب ما را وجداناً و اخلاقاً بیشتر ملتزم می‌کند که در محضر خدا، پیامبر ﷺ و اهل بیت  جسارت و بی‌ادبی نکنیم و خدای ناکرده مرتکب معصیت نشویم. از آن طرف بزرگواری بی‌حد است؛ اما از این طرف نباید موجب تجرّی و جسارت شود. در ضرب‌المثلی داریم: «در دیگ بازه؛ حیای گربه کجا رفته؟!». اگر از این طرف می‌گویند ما در قبال یک صلوات امر می‌کنیم که ملائکه تا سه روز خطاهای او را نویسند؛ این بیشتر ما را نمک‌گیر و شرمنده‌ی لطف و محبّت آنها می‌کند و بیشتر وجدانمان را تحریک می‌کند که خودمان را در برابر خدا و اولیایی به این خوبی، کنترل کنیم؛ خدای نکرده بی‌ادبی نکنیم و جسارت، تمرد، عصیان، سرکشی و آنچه که شایسته‌ی محضر آنها نیست، انجام ندهیم.

دو حدیث در باب ادب صلوات

ادب در صلوات فرستادن را هم برایتان بگویم. قبلاً هم در جلسات که صلوات می‌فرستادیم مکرّر به آن اشاره کرده‌ام که در صلوات فرستادن، بین پیامبر ﷺ و اهل بیت ایشان  فاصله نیندازید.

حدیثی از پیامبر ﷺ نقل شده است که حضرت فرمودند: «لا تَفَرَّقُوا بَيْنِي وَ بَيْنَ آلِي بَعْلَى»^{۱۸} بین من و خاندان من با «علی» فاصله نیندازید. بگویید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ عَلَي آلِ مُحَمَّدٍ». یک «علی» این وسط نگذارید. بگویید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ». این ادب صلوات است.

^{۱۸}. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۵۶.

حدیث دیگر هم منسوب به پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. حضرت فرمودند: «مَنْ فَصَلَ بَيْنِي وَ بَيْنَ آلِي بَعْلَى لَمْ يَبْلُ شَفَاعَتِي»^{۱۹} کسی که بین من و خاندان من با یک «عَلِي» فاصله بیندازد، او به شفاعت من نمی‌رسد.

این انسجام به قدری باید مراعات شود، که من براساس توصیه‌هایی که بزرگان کرده‌اند و خودم هم بهره برده‌ام، به دوستان توصیه کرده‌ام: نه تنها موقع صلوات فرستادن، یک «عَلِي» جداگانه برای اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام نگویید؛ حتی موقع صلوات فرستادن، بین پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام وقف هم نکنید و نفس هم نکشید. گرچه از نظر قرائت ظاهری درست است؛ اما این روایت‌ها و آن روح ولایتی که ما داریم، اقتضا می‌کند همواره پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام را به هم متصل ببینیم و لذا بگوییم: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ». بین آن نفس نکشیم و فاصله ندهیم که بگوییم: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ»؛ سپس یک وقف کنیم و پس از آن بگوییم: «وَ آلِ مُحَمَّدٍ». نه؛ سرهم بگوییم: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ».

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

در حدیث دیگری فرمودند: «مَنْ صَلَّى عَلَيَّ وَ عَلَي آلِي لَمْ يَمُتْ حَتَّى يُنْشَرُ بِإِيمَانِهِ وَ أَجْلُهُمْ مِنْ ذِكْرِكَ عِنْدَهُ وَ لَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ»^{۲۰} کسی که بر من و خاندان من عَلَيْهِمُ السَّلَام صلوات بفرستد، نمی‌میرد، مگر اینکه بر او به ایمانش بشارت داده می‌شود، که ایمانت کامل است. خدا قبل از مرگ این بشارت را به او می‌دهد. سپس حضرت نقطه‌ی مقابله را هم فرمودند: بخیل‌ترین مردم از امت من کسی است که من در نزد او یاد شوم و بر من صلوات نفرستد.

^{۱۹} مجلسی، لوامع صاحبقرانی، ج ۶، ص ۶۴۷ و مجلسی، مرآة العقول، ج ۱۲، ص ۱۱۲ و حقی بروسوی، روح البیان، ج ۷، ص ۲۲۳.

^{۲۰} الأنوار فی مولد النبی، بکری، ابوالحسن بن عبدالله، ص ۱۸۵.

اهل سنت چهار مذهب فقهی و چهار رهبر فقهی دارند که یکی از آنها امام شافعی است. بحث صلوات بر پیامبر و اهل بیت علیهم السلام آن قدر مهم است که حتی شافعی که شیعه نیست؛ به این معنا که بحث حجیت امام را قائل نیست؛ اما به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خیلی ارادت و علاقه دارد و به دوست داشتنی بودن و عظمت اهل بیت علیهم السلام و وظیفه‌ی ما در محبت داشتن نسبت به آنها معترف است؛ ولی طبیعی است که چون شیعه نیست که آنها را امام معصوم بداند؛ این دو بیتی را گفته است:

يا آل بيت^{۲۱} [يا أهل بيت] رسول الله حُبُّكُمْ فَرَضَ مِنَ اللَّهِ فِي الْقُرْآنِ أَنْزَلَهُ

ای اهل بیت رسول خدا! ای خاندان رسول خدا! محبت شما امر واجبی است که خدای متعال امر به آن را در قرآن نازل کرد. (فرمود: من از شما اجری نمی‌خواهم، «إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»^{۲۳} پس در قرآن نازل شده است.) این رهبر سنتی می‌گوید:

كفأكم من عظيم القدر أتمُّ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْكُمْ لَا صَلَاةَ لَهُ

در عظمت قدر و منزلت شما همین بس که اگر کسی بر شما اهل بیت پیامبر صلوات نفرستد، نماز او باطل است و نمازی برای او ثبت نمی‌شود. «مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْكُمْ لَا صَلَاةَ لَهُ» کسی بر شما صلوات نفرستد، اصلاً نمازی برای او نیست.

معنای صلوات در روایتی از امام صادق علیه السلام

^{۲۱} احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ج ۱، ص ۵۵۴ و عبدالله بن عباس، غریب القرآن فی شعر العرب، ص ۵.

^{۲۲} ابن حیون، شرح الاخبار، ج ۲، ص ۴۸۹ و حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، نهج الحق، ص ۱۸۸ و کبیرمدنی شیرازی، ریاض السالکین، ج ۱، ص ۴۲۱.

^{۲۳} سوره‌ی شوری، آیه‌ی ۲۳.

یک روایت هم بخوانم که از آن معنای صلوات را بفهمیم. امام صادق علیه السلام فرمودند: «مَنْ صَلَّى عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ» کسی بر پیامبر و خاندان پیامبر علیهم السلام صلوات بفرستد، «فَمَعْنَاهُ أَنِّي أَنَا عَلَى الْمِيثَاقِ وَالْوَفَاءِ الَّذِي قُلْتُ حِينَ قَوْلِهِ "أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ؟" قَالُوا بَلَى»^{۲۴} معنایش این است که من همچنان بر همان پیمانی که در روز الست بستم، پایدار و وفادارم. آن هنگام که خدا پرسید: «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ؟» آیا من ربّ شما نیستم؟ «قَالُوا بَلَى» همه‌ی خلق گفتند: بلی. همان روز من با شما، پیامبر و خاندان پیامبر، پیمان بستم و امروز هم بر آن پیمان ثابت و وفادارم. امام صادق علیه السلام فرمودند: معنای صلوات فرستادن این است.

شرط بهره‌مندی از صلوات

بهره‌مندی از صلوات منوط به این است که انسان حرمت و منزلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام را بشناسد؛ تا وقتی صلوات می‌فرستد، صلوات او برخاسته از معرفت و با شناخت عمیق باشد. همه‌ی خیرات و برکات هم در شناخت این بزرگواران است. منهای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام ما از کجا به کمالات راه داشتیم؟! همه‌ی برکات ظاهری و باطنی به یمن وجود این بزرگواران به ما رسیده است؛ همه‌ی مراتب کمال به یمن وجود این بزرگواران بر ما گشوده و به ما معرفی شد و با دستگیری آنها برای ما قابل طی شدن است؛ چون معرفت ذات خدا محال است و ذات حق متعال قابل شناسایی نیست؛ چون

^{۲۴}. سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۷۲.

^{۲۵}. سیدبن طاووس، فلاح السائل، ص ۱۲۰ و بحرانی، البرهان، ج ۴، ص ۴۸۸ و حلی، حسن بن سلیمان بن محمد، مختصر البصائر، ص ۳۹۶.

چیزی قابل شناسایی است که علامتی داشته باشد، از علائم و خصوصیاتش بشود او را شناخت. چیزی که هیچ خصوصیت و علامتی ندارد، قابل شناخت نیست. ذات حق متعال «لا إسم له و لا رسم له و لا صفة له»^{۲۶} است. ذات حق متعال هیچ علامتی ندارد که با آن علامت بتوان او را شناخت؛ لذا قابل اکتناه و قابل ژرف‌کاوی و شناخت نیست. اوج معرفت بشر شناخت اسماء خداست. اسماء الهی قابل شناختن است؛ اما ذات الهی قابل شناخت نیست. اسماء حسنیای خدا پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام هستند. فرمودند: «تَحْنُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى»^{۲۷} اسماء حسنیای خدا ما هستیم. اسم اعظم حق متعال پیامبر و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام هستند؛ بنابراین آنچه برای ما در مسیر معرفت دسترسی‌پذیر است، علم و معرفت به اسماء حسنیای خدای متعال است که پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام هستند. اگر این معرفت حاصل شود، آن وقت عیار صلوات ما بسیار بالا می‌رود. معرفت جز به وصول معروف حاصل‌شدنی نیست.

تفاوت معرفت و علم

گاهی من می‌خواهم از چیزی شناخت ذهنی و علمی پیدا کنم؛ این لیوان بیرون من است. قوه‌ی بینایی من بازتاب نور را از این لیوان می‌گیرد؛ وارد چشم من می‌کند و تصویر ریز معکوس از این لیوان روی لگه‌ی زرد چشم من ایجاد می‌شود. آنجا یک تحریک بیوالکتریک ایجاد می‌شود. سلسله‌ی اعصاب این جریان را به نقطه‌ی ادراک بینایی در مغز منتقل می‌کند و پروسه‌ی بینایی طی می‌شود. لیوان بیرون من است و من علم به وجود

^{۲۶}. حسینی‌همدانی‌نجفی، درخشان پرتوی از اصول کافی، ج ۱، ص ۹۱.

^{۲۷}. مجلسی، بحار، ج ۲۵، ص ۵ و ج ۲۷، ص ۳۸ و بحرانی، البرهان، ج ۳، ص ۶۷۸ و مدینه‌معجزالائمة، ج ۱، ص ۵۵۶.

لیوان پیدا کرده‌ام. در علم این گونه است؛ این علم حصولی است. لیوان چیزی بیرون وجود من است. در علم، صورت لیوان در درون من شکل گرفت و من به صورت لیوان و تصویری از لیوان که در ذهن من شکل گرفت، آگاهی پیدا کردم؛ اما معرفت با علم فرق می‌کند. معرفت حضور معروف عند العارف است؛ نه حضور صورت معروف عند العارف. حضور صورت معلوم عند العالم می‌شود علم؛ اما حضور خود معروف عند العارف می‌شود معرفت. فرق معرفت و علم این است که خود حقیقت در جان من حضور پیدا می‌کند؛ نه اینکه تصویر یا اطلاعاتی از آن در ذهن من نقش ببندد. معرفت حضوری است و علم حصولی و اکتسابی است. در علم از طریق سیستم‌های کسب خبر که حواس ما است، صورت اشیاء را به ذهن ما منتقل می‌شود و ما به آن صورت آگاه می‌شویم؛ اما در معرفت خود آن چیز در درون ما حضور پیدا می‌کند؛ نه صورت، تصویری و یا اطلاعاتی از آن. فرق معرفت و عرفان با علم و دانایی همین است.

معرفت جز به وصول به معروف و قرب و نزدیکی به او حاصل‌شدنی نیست. پس کسی که به معرفت اسماء الحسنی (نه به علم) رسیده باشد، او رستگار است؛ چون به حقیقت پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام وصل شده است. این قطره در دریای وجود آنها حل شده و با آنها یگانه گردیده است. این نقطه‌ی اوج عروج یک انسان سالک است؛ همان مقصد والا، مقام عالی و کرامت عظمایی است که در دنیا و آخرت هیچ مرتبه‌ای فوق آن وجود ندارد. صلوات این کار را می‌کند. صلوات وصل، اتصال، تقرّب و یگانگی را ایجاد می‌کند و موجب اتصال و وصل شدن شخص به حقیقت محمد و آل محمد علیهم‌السلام است.

صلوات سبب یگانگی یافتن با آنها و حل شدن و فانی شدن در حقیقت وجودی آنهاست؛ و ما تا به این نقطه نرسیم، به مقصد نرسیده‌ایم. اگر کسی فانی و حل شد و به پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام وصل و با آنها یگانه شد، در کمالات به همه‌جا رسیده است و در غیر این صورت به هیچ‌جا نرسیده است؛ لذا کسانی که وصل شده‌اند، «مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ»^{۲۸} شده‌اند. این همه روایت خواندیم که صلوات بر پیغمبر و اهل بیت علیهم‌السلام بفرستید! مگر پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم راجع به سلمان رضی‌الله‌عنه فرمودند: «سَلْمَانٌ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ»^{۲۹} سلمان از ما اهل بیت است؟ در حالی که سلمان ایرانی تبار بود و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عرب‌نژاد بودند، فامیل هم نبودند؛ اما سلمان رضی‌الله‌عنه با حقیقت صلوات وصل و متصل شده بود و لذا «مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ» شد. پس وقتی صلوات می‌فرستید، شامل سلمان رضی‌الله‌عنه هم می‌شود؛ نه تنها سلمان رضی‌الله‌عنه، بلکه همه‌ی کسانی که «مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ» شده‌اند را شامل می‌شود. پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «كُلُّ تَقِيٍّ وَ تَقِيٍّ آلِي»^{۳۰} هر انسان باتقوا و پاک آل و خاندان من است و فقط سلمان نیست؛ لذا وقتی شما بر آل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم صلوات می‌فرستید، آنها را هم شامل می‌شود: «كُلُّ تَقِيٍّ وَ تَقِيٍّ آلِي».

امروز خیلی صحبت کردیم؛ خدا به برکت صلوات بر پیامبر و خاندانشان علیهم‌السلام ما را به نقطه‌های بلندی هم رساند.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

^{۲۸}. به‌عنوان نمونه درباره‌ی سلمان: مجلسی، بحار، ج ۱۷، ص ۱۷۰ و ج ۲۲، ص ۳۳۱ و ۳۴۳ و ۳۴۹ و درباره‌ی ابوذر: طوسی، امالی، ص ۵۲۵ و درباره‌ی عیسی بن عبدالله: مفید، الاختصاص، ص ۶۸ و محدث‌نوری، مستدرک‌الوسائل، ج ۳، ص ۷۱ و درباره‌ی همه‌ی ابرار: بحرانی، البرهان، ج ۴، ص ۲۵۲.

^{۲۹}. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۰۱ و مجلسی، بحار، ج ۲۲، ص ۳۴۹ و اختصاص، مفید، ص ۳۴۱ و صدوق، امالی، ص ۲۵۲ و صفار، بصائر‌الدراجات، ج ۱، ص ۱۷.

^{۳۰}. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۹۶ و فیض کاشانی، وافی، ج ۳، ص ۸۹۷.

از خدای متعال می‌خواهیم با عنایات، الطاف و محبت خود توفیق بهره‌بردن از صلوات و مداومت در آن، آن هم صلوات با همه‌ی اقسام و انواعش: در زمان‌های عام و زمان‌های خاص، در عموم مکان‌ها و اماکن خاص، با هر عبارتی و با عبارات خاص (که اول جلسه به اینها اشاره کردم)؛ توفیق بهره‌بردن از صلوات، چه یک‌بار، چه صدها بار و توفیق اشتغال به ذکر صلوات و بهره‌بردن از این نعمت عظمای الهی و وصل شدن به حقیقت پیامبر و خاندانشان علیهم‌السلام از راه صلوات را به همه‌ی ما عنایت بفرماید؛ به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ